

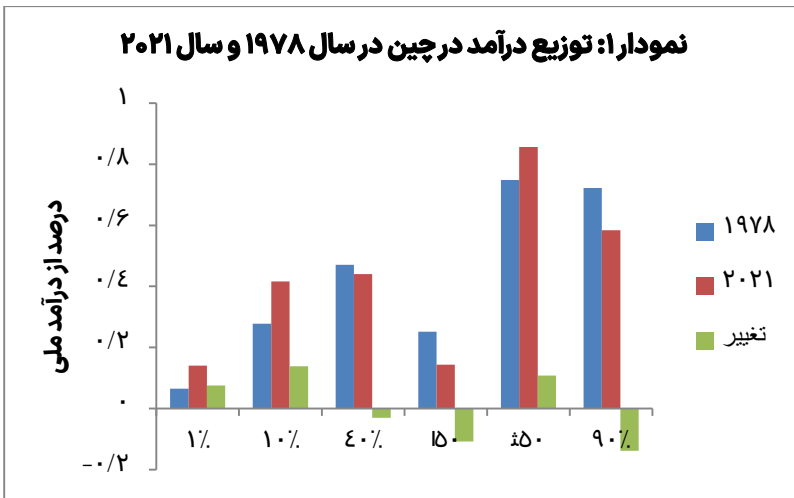
# فروستان و فرادستان (بخش سوم: چین)

احمد سیف

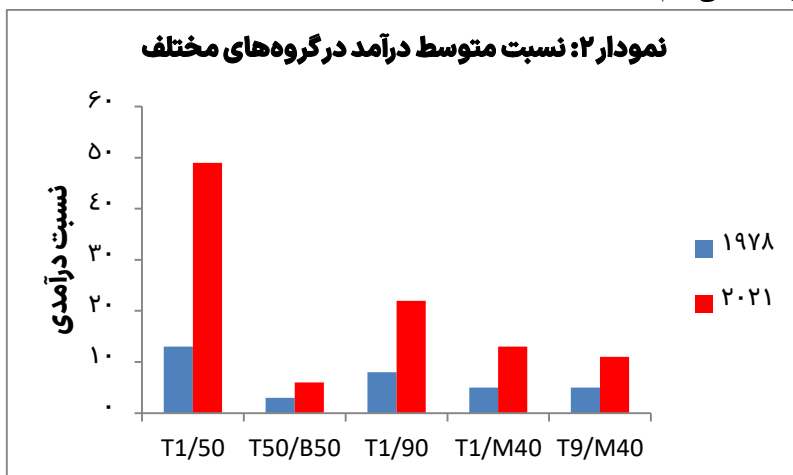


در ادامه‌ی بررسی‌های مشابه که تاکنون خوانده‌اید در این یادداشت می‌خواهم اندکی درباره‌ی وضعیت توزیع درآمد در چین بنویسم. منبع آماری من بانک اطلاعاتی نابرابری جهانی است که اطلاعاتی درباره‌ی سهم یک‌درصدی‌ها، ۱۰ درصدی‌ها و ۵۰ درصد پایینی جامعه به دست می‌دهد. گذشته از هرچیز دیگر، وارسیدن وضعیت اقتصادی چین نشان می‌دهد که هیچ چیز جای یک استراتژی سنجیده‌ی رفاهی را نمی‌گیرد که باید برای تنظیم و حتی تصحیح پی‌آمدهای ناهنجار فعالیت اقتصادی در بازارها به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، اگر همه‌ی توجه و نیروها بر روی میزان رشد اقتصادی متمرکز شود بدون این که شیوه‌های بهره‌مندی مطلوب از پی‌آمدهای رشد اقتصادی واریسی شود، پی‌آمد نهایی می‌تواند در کنار رشد اقتصادی بیشتر، افزایش نابرابری در توزیع درآمد و ثروت باشد. در این یادداشت همانند یادداشت‌های دیگر تمرکز من بر روی سهم‌بری از درآمد ملی است.

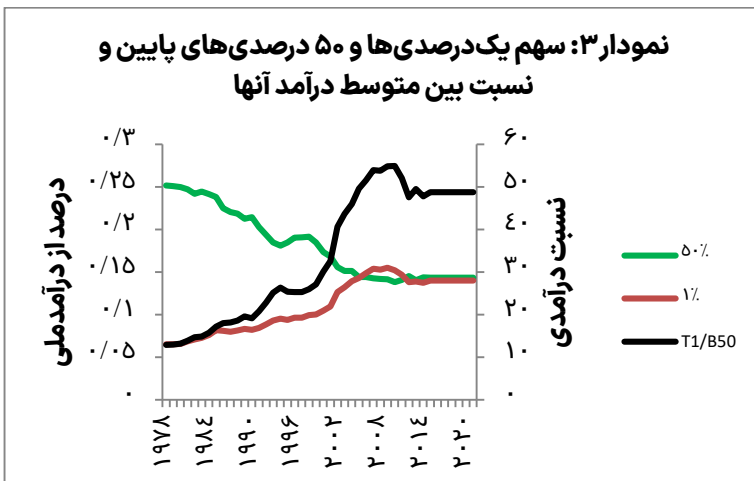
برای شروع بحث، توزیع درآمد را در ابتدا و انتهای دوره‌ی مورد بررسی در نمودار یک ارائه می‌کنم.



به نظر من اطلاعات ارائه شده در این نمودار از این نظر جالباند که نشان می‌دهند که رشد اقتصادی قابل توجه در چین به اصطلاح رشد فراگیرنده نبوده است چون در حالی که سهم ۱۰ درصدی‌ها از درآمد ملی در این فاصله، یعنی در سال ۲۰۲۱ به نسبت سال ۱۹۷۸ که در واقع سال شروع فرم‌های اقتصادی در چین است، با تقریباً ۵۰ درصد افزایش از کم‌تر از ۲۸ درصد درآمد به ۴۲ درصد از درآمد ملی در سال ۲۰۲۱ رسید. برعکس، سهم ۹۰ درصد بعدی جامعه که در سال ۱۹۷۸ معادل ۷۲ درصد درآمد ملی بود با حدود ۲۴ درصد کاهش به ۵۸ درصد رسید. از سوی دیگر سهم یک‌درصدی‌ها از درآمد ملی در طول این مدت بیش از دوبرابر شد و از ۶٫۵ درصد به ۱۴ درصد از درآمد ملی رسید و به همین روایت سهم ۵۰ درصدی‌های پایینی جامعه هم که در سال ۱۹۷۸ بیش از ۲۵ درصد از درآمد ملی بود، به ۱۴ درصد کاهش یافت. به سخن دیگر، ۵۰ درصدی‌های پایین جامعه در چین با حدوداً ۷۵ درصد کاهش از سهم‌بری از درآمد ملی روبرو شدند. کم‌ترین کاهش در سهم‌بری از درآمد ملی برای ۴۰ درصد میانی جامعه اتفاق افتاد که سهم‌شان از ۴۷ درصد از درآمد ملی به ۴۴ درصد کاهش یافت که نشانه‌ی کاهشی معادل ۷ درصد است. اگر به ساده کردن وضع مجاز باشم توجه شما را به نمودار دو جلب می‌کنم.



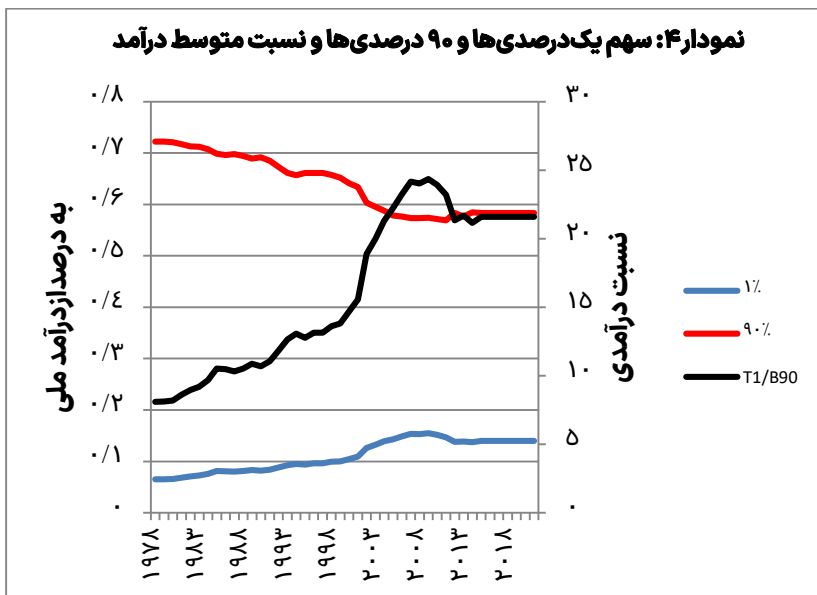
در سال ۱۹۷۸ (نمودارهای آبی‌رنگ) متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها ۱۳ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های پایین بود ولی این نسبت در سال ۲۰۲۱ به ۴۹ برابر رسید (نمودارهای قرمز رنگ)، به همین نحو متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های بالایی چین که در سال ۱۹۷۸ تنها ۳ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های پایین بود، در سال ۲۰۲۱ به ۶ برابر افزایش یافت. متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در مقایسه با متوسط درآمد ۹۰ درصدی‌ها که در سال ۱۹۷۸ تنها ۸ برابر بود در سال ۲۰۲۱ حدوداً ۲۲ برابر شد و به همین نحو متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها و ۹ درصدی‌های بالایی جامعه در مقایسه با متوسط درآمد ۴۰ درصدی‌های میانه که در سال ۱۹۷۸ فقط ۵ برابر بود در سال ۲۰۲۱ به ترتیب، ۱۳ و ۱۱ برابر شد. با این مقدمه‌ی نسبتاً طولانی اجازه بدهید برگردم به واریسی سهم یک‌درصدی‌ها و مقایسه‌ی آن با سهم ۵۰ درصدی‌های پایینی جامعه.



البته به این نکته توجه دارید که در سال ۱۹۷۸ در حالی که سهم یک‌درصدی‌ها از درآمد ملی تنها ۶٫۵٪ بود ۵۰ درصدی‌های پایینی جامعه حدوداً ۲۵ درصد از درآمد ملی چین را در اختیار داشتند. این سهم‌بری البته در طول سال‌های رشد حیرت‌انگیز چین دستخوش تغییر شد و همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌کنید در حالی که سهم ۵۰ درصدی‌های پایین یک روند کاهنده دارد، سهم یک‌درصدی‌ها روند افزایشی دارد و در سال ۲۰۰۹ به حدود ۱۶ درصد از درآمد ملی می‌رسد و بعد تا سال ۲۰۲۱ همانند

سهم ۵۰ درصدی‌های پایین در ۱۴ درصد برای چند سالی به نظر ثابت می‌ماند. البته توجه دارید که آن چه که نصیب این دو گروه می‌شود، در پیوند با ۵۰ درصدی‌های پایینی جامعه باید بین تعداد به مراتب بیشتری از چینی‌ها توزیع شود و به همین دلیل هم هست که مثلاً در سال ۲۰۰۹ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها ۵۵ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های پایینی است و سرانجام در سال ۲۰۲۱ با اندکی کاهش که در سهم یک‌درصدی‌ها پیش می‌آید این نسبت به ۴۹ برابر کاهش می‌یابد.

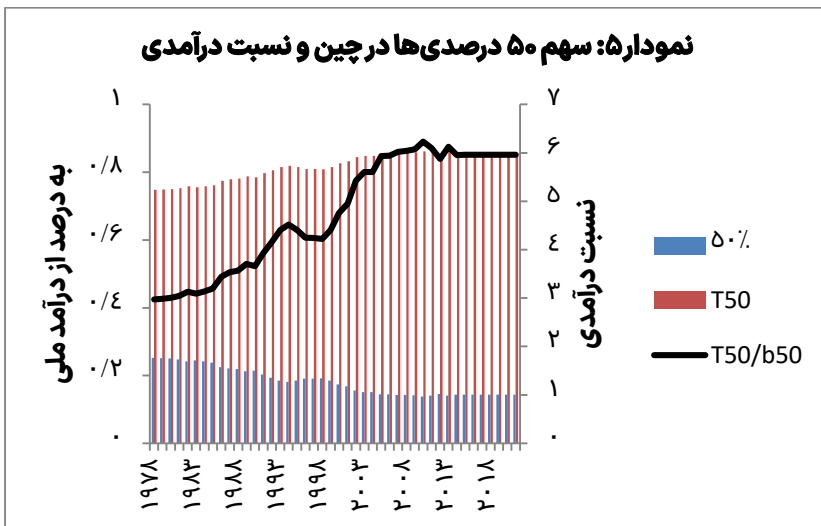
در نمودار بعدی هم از وضعیت یک‌درصدی‌ها و ۹۰ درصدی‌ها شواهدی ارایه خواهم داد.



اولین نکته این است که چنان‌که مشاهده می‌کنید در تمام این مدت، سهم یک‌درصدی‌ها از درآمد ملی چین روند افزایشی دارد در حالی که سهم ۹۰ درصد جمعیت از همان درآمد ملی، روند کاهنده‌ای نشان می‌دهد که از ۷۲ درصد درآمد ملی در ۱۹۷۸- یعنی سال شروع رفرفرم‌های اقتصادی - به ۵۸ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده است. به همین دلیل است که شاهد افزایش نسبت درآمدی هستیم که روی منحنی سیاه‌رنگ روی محور دست راست اندازه‌گیری می‌شود. محاسبه کرده‌ام که نسبت

درآمدی ۸ برابری برای این که در طول این مدت ۲۲ برابر بشود باید سالی ۲,۴ درصد رشد کرده باشد.

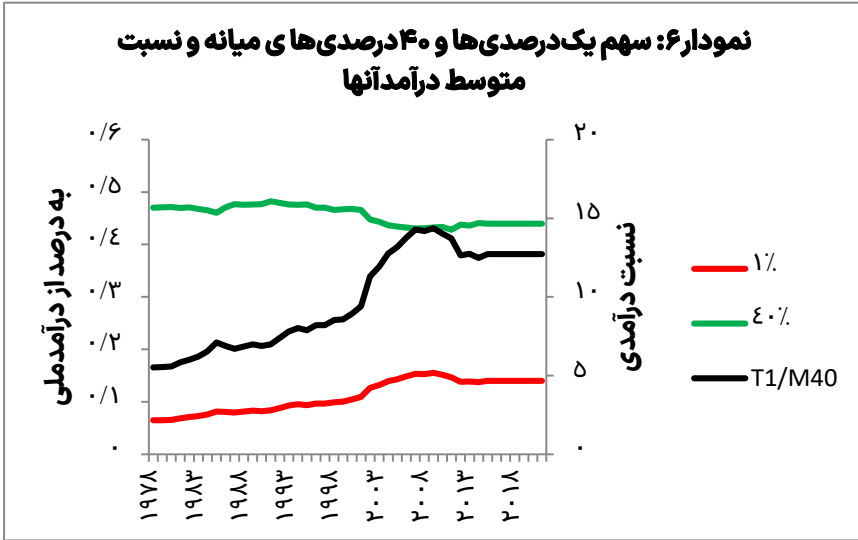
در یادداشت قبلی هم که درباره‌ی روسیه نوشته بودم متذکر شدم که یکی از داده‌های آماری مفید که نشان می‌دهد کار از ریشه خراب است، در واقع مقایسه‌ی سهم ۵۰ درصدی‌ها در یک جامعه‌ی نمونه‌وار سرمایه‌داری از درآمد ملی است. در مورد چین هم می‌توان همین اطلاعات را به دست داد.



به‌درستی نمی‌دانم چرا این‌گونه است ولی از همان سال ۱۹۷۸ که هنوز رفرم‌های اقتصادی دنگ شیائوپینگ به‌بار ننشسته و در واقع در ابتدای راه تحولات اقتصادی به‌اصطلاح سرمایه‌دارانه هستیم، مشاهده می‌کنیم که سهم ۵۰ درصدی‌های بالای چین از درآمد ملی چین ۳ برابر سهم ۵۰ درصدی‌های پایینی چین از درآمد ملی است. به عبارت دیگر، این آمارها اگر قاب اعتماد باشند بیانگر این نکته هستند که حتی در سال

۱۹۷۸ متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های بالای چین ۳ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های پایینی چین بود. در نمودار هم مشاهده می‌کنیم که اگرچه سهم ۵۰ درصدی‌های پایینی روند کاهنده دارد و از ۲۵ درصد درآمد ملی به ۱۴ درصد از درآمد ملی در سال ۲۰۲۱ می‌رسد ولی سهم ۵۰ درصد بالایی چینی هم در طول همین مدت از ۷۵ درصد درآمد ملی به ۸۶ درصد افزایش می‌یابد. به همین دلیل هم هست که شاهد افزایش نسبت درآمدی هم در نمودار بالا هستیم که در منحنی سیاه‌رنگ روی محور دست راست اندازه‌گیری می‌شود و در سال ۲۰۲۱ این نسبت ۶ برابر شد.

شواهد آماری در چین هم همانند دیگر کشورها نشان می‌دهد که در این‌جا هم شاهد گسترش طبقات متوسط نیستیم. منظورم از این ادعا این است که ۴۰ درصدی‌های میانه- درواقع از ۵۱ تا ۹۰ درصد جامعه- اگرچه به اندازه‌ی ۵۰ درصدی‌های پایین شاهد نزول سهم‌بری‌شان از درآمد ملی نبوده‌اند ولی همانند آنها سهم آنها هم از درآمد ملی چین کاهش یافت و از ۴۷ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۴۴ درصد در سال ۲۰۲۱ رسید. با این همه بد نیست اشاره کنم که وضع «طبقات متوسط» در چین از دیگر کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هند، افریقای جنوبی) به مراتب بهتر است. سهم ۴۰ درصدی‌های میانه در سال ۲۰۲۱ در هندوستان، ۳۰ درصد، در برزیل، ۳۱٪ در روسیه، ۳۶٪ و در افریقای جنوبی هم تنها ۲۸ درصد بود.



منحنی سیاه‌رنگ که روی محور دست راست اندازه‌گیری می‌شود این نسبت را نشان می‌دهد که در طول این سال‌ها بیش از دو برابر و از حدود ۵ برابر بودن در آغاز دوره‌ی مورد بررسی به ۱۳ برابر در پایان دوره رسید.